

دوست ندارم به بیگانه حکومت کنه

۳۳داسته گل بزرگ را با زحمت توی بغل حمل می‌کند. موهای بلند رنگ‌شده‌اش از زیر چغیهای که پشت سرش گره زده روی شانه ریخته است. مادرش کیف و لوازم او را در دست گرفته و سعی می‌کند از او جانم‌اند. زهای هلندی پدرمادر داری است. هر کس می‌بیند هوس می‌کند یک شاخه‌اش را داشته باشد؛ دختر اما آنها را فقط به‌دست نیروهای امنیتی می‌دهد؛ یک شاخه به هر نفر. اینجا قاب زیبایی شکل می‌گیرد که دختر خودش را روی پنجه پا بالا می‌کشد و دست‌هایش را تا جایی که می‌تواند کش می‌دهد تا شاخه زر را به‌دست نیرویی برساند که بالای خودروی زری ایستاده است. مرد باهت، خم می‌شود و شاخه زر سرخ، فاصله میان دست‌های آنان را پر می‌کند. حیف عکاسی نیست تا این لحظه را ثبت کند. من به‌دنبالش می‌وم. ناخودآگاه لبخند شرم می‌کند روی صورتش. خودم را به او می‌رسانم. او گل می‌دهد و من با او حرف می‌زنم. می‌گویم: کارت برام جالب بود. چرا پول‌هایت را دادی گل خریدی؟ می‌دانم با پول آنها می‌توانست یکی دو سی‌سی ژل دیگر به‌صورتش بزند یا یک گرم مراقبت پوستی بخرد. از ظاهرش پیداست اهل این کارهاست. از ظاهر مادرش اما مشخص است غرق پول نیستند. لبخندی می‌زند و می‌گوید: فکر کردم این کمترین کاری که می‌تونم بکنم تا به کم خوشحالشون کنم. کنج‌کاوانه می‌پرسم: شب‌های دیکه هم اومدی؟ جواب می‌دهد: آره. می‌پرسم: چرا می‌آیی؟ در حالی که به گل‌ها نگاه می‌کند می‌گوید: من واقعاً دلم برای کسانی که انقلاب کردن می‌سوزه؛ اون انقلاب‌های واقعی. نه بعضی‌ها که الکی ادا درمیان و اونایی که کارو خراب کردن. مکتی می‌کنم و چیزی از ذهنم می‌گذرد. سؤال می‌کنم: تا حالا راهپیمایی شرکت کرده‌ای؟ انگار دارم درباره یک معشوق پنهان نظرش را می‌پرسم. شوق و شرم می‌دود توی چشم‌هایش. لبخند می‌زند و چندبار سر تکان می‌دهد. می‌پرسم: چند بار؟ می‌گوید: همه رو! هر چی راهپیمایی بوده شرکت کردم. می‌پرسم: با همین حجاب؟ می‌گوید: آره. می‌پرسم: چرا می‌رفتی؟ ببین فقط از اون حرف‌های جلو دوربین نگو. من که خبرنگار نیستم. دو دو تا چهار تا می‌کند و می‌گوید: نمی‌خوام یکی از خارج بیاد کشور منو اداره کنه. ترجیح می‌دم به ایرانه سر کار باشه؛ دوست ندارم به بیگانه حکومت رو دست بگیرم حتی اگر ته ته دمکراسی رو اجرا کنه. لبخند می‌زند؛ انگار می‌کند هم ناسیونالیست‌ها هنوز یک دسته گل دیگر در بغلش ماندن است؛ از میانش یک شاخه جدا می‌کند، به من می‌دهد و می‌رود بین جمعیت.

شهید کلاس اولی
شهید مهدیس نظری که تازه می‌خواست خواندن و نوشتن یاد بگیرد همراه هم‌کلاسی‌هایش از مدرسه میناب پرکشید. او متولد ۱۶ بهمن سال ۹۷ بود و در کلاس اول ابتدایی درس می‌خواند. او ۹ اسفند ۱۴۰۴ در حمله آمریکایی - صهیونی به شهادت رسید.



از روستای تالار تا بهشت
از پیسر پرچنب‌جوش روستای تالار که هر روز با کیف مدرسه و لی‌بندنی پر از امید، راهی میناب می‌شد تا آینه‌های بسازد فقط خاطره مانده است و بس. دانیال فقیردوست متولد هجدهم خرداد سال ۹۴ از کلاس پنجم آسمانی شد.



معلم مینابی با دخترش پرکشید

گفت‌وگو با امید ذاکری، از خانواده شهدای مدرسه شجره طیبه



گزارش
الناز عباسیان | روزنامه‌نگار | حنانه و مادرش، الهام کریمی، باهم از مدرسه شجره طیبه میناب پرکشیدند اما نه در آغوش هم. مادر حنانه، معاون مدرسه، در حالی که کودک‌کان را دل‌داری می‌داد و آنان را در گوشه‌های جمع می‌کرد، کمی دور تر از پاره تن خود، حنانه آسمانی شد. امید ذاکری، پدر حنانه و همسر این معلم شهید، از این داغ سنگین می‌گوید.

دوست داشت فضانورد شود

حنانه دختر سوم من بود و در کلاس اول ابتدایی تحصیل می‌کرد. دختری بسیار مهربان بود. همیشه دوست داشت من در کنارش باشم. یک‌بار که با مادرش به قشم رفته بود، مدام دل‌تنگ من شده و به مادرش می‌گفت: کاش بابا اینجا بود، خیلی خوش می‌گذشت در آغاز ورود به کلاس اول، تمایل چندانی به درس خواندن نداشتم و بیشتر به فیلم‌های فضایی علاقه نشان می‌داد، اما چون دوست

با شهادت معروف شد

بود. پیش از این حادثه، یکی از روانشناسان استان به خانه ما آمده بود و به من گفت: امیدجان، اگر استعداد دختری را کشف کنی، مطمئنم حداقل استعدمشم بزرگی خواهد شد، چون بسیار باهوش است و مطالب را فراتر از سنش می‌فهمد.

دختر مشق پر خاطره

خاطر من هست یک‌بار برایش دفتر مشق خریدم. او از آن دفتر بسیار خوشش آمد. همیشه دوست داشت تا جایی که ممکن است، صفحات دفترش را با مادام رنگی و نقاشی پر کند. آن قدر به این کار علاقه داشت که هر وقت دفترش را باز می‌کردم، پر از طرح‌های رنگی و شاد بود. حتی گاهی

دخترم آرام خوابیده بود

آخرین بار که حنانه را دیدم، شب پیش از شهادت‌ش بود. آرام و بی‌صدا مانند یک فرشته خوابیده بود. صبح که به مدرسه رفتم، نمی‌دانستم آخرین دیدار ماست با خیر شهادت‌ش در مدرسه، دنیا برپایم سیاه شد. باور کردنش بسیار سخت بود. نمی‌توانم احساس خود را توصیف کنم. حسرت دیدار دوباره، حسرت در آغوش گرفتن او، حسرت شنیدن صدای خنده‌هایش، او را از روی همان لباس‌های بلندی که مادرش به تن او کرده بود، در میان آن همه ویرانی و شلوغی شناختم. تنها چیزی که باقی مانده، خاطرات شیرین و دل‌تنگی بی‌پایانی است که تا به دل من و ۲ خواهر و برادرش خواهد ماند. بیکر حنانه را سالم دیدم. به خدا قسم مثل این بود که خوابیده است؛ هیچ آسبسی ندیده بودم. فقط بر اثر فشار امواج، پیراهنش از بدنش خارج شده بود. همسرم عادت داشت همیشه به دخترم لباس زیر محکم بپوشاند و می‌گفت: می‌باید لباسش پاره شود و نامرغی او را ببیند. دخترم را هم جان چوراب و لباس زیر بلند شناختم. شب قبل آرام در بغلم خوابیده بود، الان هم همینطور خوابیده است. اما بیکر همسرم دور تر از دخترم و در میان دانش‌آموزان پایه دیگر بیداشد.

تا ابد داغدار همسر و فرزندم هستم

الهام کریمی سال‌ها معاون مدرسه میناب بود و با دخترش حنانه ذاکری از مدرسه شجره طیبه پرکشید. امید ذاکری همسر شهید کریمی با اشاره به خاطرات او می‌گوید: «من در یخشدارای میناب مسئولیت دارم. معمولاً از صبح تا دیروقت در یخشدارای می‌مانم. یک‌بار همسرم با دخترانم به دیدار من آمدند. الهام از وضعیت دفتر ما تعجب کرد و گفت: امیدجان، اینجا چقدر کثیف و نامرتب است؟ تا فردا صبح با همسر و ۲ دخترم همه بخش‌ها را تمیز کردیم.» او از محبت سرشار همسرش اینطور می‌گوید: «الهام همیشه مرا امیدجان صدا می‌زد. این کلمه جان بعد از اسمم همیشه در کلامش بود. هر وقت رنگ می‌زد، عزیزم خطاب می‌کرد. بسیار با محبت بود. به مسئولان مدرسه گفته بود: من هر چه به امید بگویم، نه نمی‌گوید. به دختر بزرگم هم گفته بود: دعا می‌کنم مردی با اخلاق پدرتان داماد ما شود.»

او معتقد است که همسرش به گونه‌ای فرزندان‌ش را تربیت کرده بود که الگو شدند: «فرزندانم را مودب و با احترام و همیشه قدر دان تربیت کرد. هم به درس توجه می‌کرد و هم به اخلاق آنها. نکته جالب دیگر اینکه همسرم، حنانه را چنان تربیت کرده بود که در مدرسه به مادرش می‌گفت خانم کریمی، ولی در خانه می‌گفت مامان جون. بعدها فهمیدم دلیلش این است که در آن مدرسه، برخی دانش‌آموزان یا فرزند طلاق بودند و با پدر زندگی می‌کردند یا مادر خود را در حوادث مختلف از دست داده بودند. مادر حنانه برای اینکه آن کودک‌کان احساس دل‌تنگی مادرشان را نکنند، دخترش را طوری بار آورده بود که در رنگ‌های تفریح و هر جا که لازم بود، او را خانم کریمی صدا کند.»



خواهران معلم شهید الهام و سمیه کریمی

ردیف	موضوع پروژه	بر آورد اولیه به ریال	سپرده شرکت در مناقصه (تقدی یا ضمانتنامه بانکی) به ریال	مدت انجام پروژه	شرایط متقاضی	مهلت دریافت و تحویل اسناد	تضمین حسن اجرای تعهدات	پیش پرداخت
۱	رنگ آمیزی، پاکسازی و شستشوی المان‌های شهری (نواحی ۵ و ۵)	۱۲۱,۰۵۵,۸۰۳,۸۰۰	۶,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۲ ماه	۱- دارا بودن گواهینامه تعیین توان فنی و تشخیص صلاحیت در رشته ابنیه از سازمان برنامه و بودجه کشور یا رشته رنگ‌آمیزی از اداره کل با رتبه مرتبط با مبلغ پیمان بر اساس عنوان پیمان اداره بودن کارت الکترونیکی از سامانه تامین‌کنندگان شهرداری تهران با وضعیت معتبر شهری و محیط زیست در رسته مرتبط	محل دریافت اسناد اداره قراردادها	به میزان ۱۰٪ مبلغ پیشنهادی	ندارد
۲	رنگ آمیزی، پاکسازی و شستشوی المان‌های شهری (نواحی ۳ و ۶)	۱۲۰,۱۹۹,۹۱۹,۷۰۰	۶,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۲ ماه	۱- دارا بودن گواهی صلاحیت پیمانکاری حداقل رتبه ۵ راه و تیراوی از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (دارای ظرفیت آزاد کاری و ربالی) و شرایط خصوصی	محل دریافت اسناد اداره قراردادها	به میزان ۱۰٪ مبلغ پیشنهادی	ندارد
۳	رنگ آمیزی، پاکسازی و شستشوی المان‌های شهری (نواحی ۴ و ۲)	۱۲۲,۰۰۸,۹۹۲,۰۰۰	۶,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۲ ماه	۱- دارا بودن گواهی صلاحیت پیمانکاری حداقل رتبه ۵ راه و تیراوی از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (دارای ظرفیت آزاد کاری و ربالی) و شرایط خصوصی	محل دریافت اسناد اداره قراردادها	به میزان ۱۰٪ مبلغ پیشنهادی	ندارد
۴	عملیات اجرایی آسفالت‌کنییزه در سطح نواحی ۱ و ۲ و توسعه محله‌های منطقه ۱۲	۱۶۸,۲۶۳,۴۵۷,۷۸۱	۸,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۸ ماه	۱- دارا بودن گواهی صلاحیت پیمانکاری حداقل رتبه ۵ راه و تیراوی از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (دارای ظرفیت آزاد کاری و ربالی) و شرایط خصوصی	محل دریافت اسناد اداره قراردادها	به میزان ۱۰٪ مبلغ پیشنهادی	ندارد

آگهی مزایده شماره ۴۰۵/۲/۲

شرکت مهندسی و تولید ماشین‌آلات راهسازی، معدنی و کشاورزی هپکو اراک در نظر دارد فرآیند فروش اقلام ضایعاتی خود شامل ضایعات آهن، تیرآهن H، حلبی، پلاستیک و لاستیک، یخچال فریزر و... به شماره سامانه ستاد ۱۰۵۱۱۶۵۶۱۰۰۰۰۰۰ را از طریق مزایده به خریدار واجد شرایط واگذار نماید. اقلام بایستی حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز در محل شرکت منتهه واقع در اراک توسط خریدار بارگیری گردد و هزینه حمل و بارگیری بر عهده خریدار می‌باشد. بازدید از اقلام قبل از پیشنهاد قیمت الزامی می‌باشد. کلیه مراحل برگزاری مزایده در دریافت و تحویل اسناد مزایده تا بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. متقاضیان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به‌صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند. ضمناً جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند با شماره ۰۸۶۰۳۳۶۹۰۹۳۵ تا شماره همراه ۰۹۱۸۱۶۱۰۸۷ تماس حاصل فرمایند.

مواعد زمانی:
تاریخ انتشار فراخوان: ۱۴۰۵/۰۱/۳۱ ساعت ۱۲:۰۰
مهلت بازدید: از ۱۴۰۵/۰۲/۰۱ لغایت ۱۴۰۵/۰۲/۱۲ (ساعت ۸:۰۰ الی ۱۲:۰۰)
مهلت روز به روزهای تعطیل
مهلت دریافت اسناد فراخوان: ۱۴۰۵/۰۲/۰۳ ساعت ۸:۰۰
مهلت ارسال پیشنهادات: ۱۴۰۵/۰۲/۱۳ ساعت ۸:۰۰
زمان بازگشایی پاکت‌ها: ۱۴۰۵/۰۲/۱۳ ساعت ۰۹:۰۰

آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی در نظر دارد اقلام مورد نیاز خود را با شرایط ذیل بصورت برگزاری مناقصه عمومی از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) تامین نماید:

شماره فراخوان در سامانه ستاد ایران	2005096347000005
شماره مناقصه و تقاضا	EL-3054305003-NM-0 مناقصه شماره 0- R5/1405/EL-3054305003-NM-0
موضوع مناقصه / شرح مختصر اقلام درخواستی	کابل فشار ضعیف برقی
مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار	۳۵,۲۱۰,۶۹۰,۰۰۰ ریال
نوع تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار	تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار بصورت یکی از تضمین قابل قبول وفق آیین‌نامه تضمین شماره ۱۲۳۴۰۲/۵۰۶۵۹-هـ مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هیات وزیران، مطابق موارد مشخص شده در سامانه ستاد به استثنای تضمین صادره از بانک‌های سپه و پاسارگاد (اعم از واریز وجه و ارائه فیش واریزی / ارائه ضمانتنامه بانکی) می‌باشد.
مبلغ برآوردی مناقصه	۹۰۵,۵۳۴,۵۰۰,۰۰۰ ریال
آخرین مهلت دریافت اسناد و بازگذاری و ارسال مستندات ارزیابی کیفی (روزمه) در سامانه ستاد	طبق مواعد مندرج در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت
آخرین مهلت بازگذاری پیشنهادات فنی / مالی در سامانه ستاد	پس از ارزیابی کیفی مناقصه‌گران، مستندات دریافت پیشنهاد فنی و مالی به‌همراه برنامه زمانی از طریق سامانه ستاد ارسال می‌گردد. استان بوشهر - شهرستان عسلویه - شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی - ساختمان اداری ۲ - اداره خرید - اتاق ۱
آدرس مناقصه‌گزار	پس از ارزیابی کیفی مناقصه‌گران، مستندات دریافت پیشنهاد فنی و مالی به‌همراه برنامه زمانی از طریق سامانه ستاد ارسال می‌گردد. استان بوشهر - شهرستان عسلویه - شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی - ساختمان اداری ۲ - اداره خرید - اتاق ۱
بدهی است کلیه فرآیند برگزاری مناقصه الکترونیکی از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) به نشانی: WWW.SETADIRAN.IR انجام می‌پذیرد و به پیشنهادها خارج از سامانه ستاد هیچگونه ترتیب اثری داده نخواهد شد و مناقصه‌گران بایستی نسبت به ثبت‌نام در سامانه ستاد و دریافت گواهی امضای الکترونیکی اقدام نمایند. مناقصه‌گران می‌توانند جهت کسب اطلاعات با شماره تلفن‌های ۰۷۲۴۵-۱۲۱۲۱۲۴۱-۰۷۲۴۵ تماس حاصل فرمایند.	

روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

باهم شهری در مترو دیده شوید

پدیرش آگهی ۱۹ ۱۸ ۱۱

تبلیغات محیطی ایستگاه‌های مترو
تبلیغات بدنه قطار
تبلیغات درون واگن‌ها